



# روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران

شامل: متن قوانین - تصویبنامه ها - صورت مفصل مذاکرات مجلس شورای ملی  
اخبار رسمی - فرامین - انتصابات - آئین نامه ها - بخش نامه ها - آگهی های رسمی و قانونی سؤالات

شماره تلفن: ۸۸۹۴-۸۸۹۵-۸۸۹۶-۵۴۴۸

سال پنجم - شماره ۱۲۲۴

صفحه ۴۲۸۲

۴ شنبه ۴ خرداد ماه ۱۳۲۸

پیر، سید محمد هاشمی

دوره پانزدهم قانونگذاری

شماره مسلسل ۱۶۹۹

روزنامه یومیه

فهرست مندرجات

صورت مشروح بقیه مذاکرات صد و پنجاه و هفتمین

جلسه دوره پانزدهم از صفحه ۱ تا ۶

۲ - آگهی های رسمی ۵ ۷

## مذاکرات مجلس

بقیه جلسه ۱۵۷

صورت مشروح مذاکرات مجلس روز سه شنبه ۶ اردیبهشت ماه ۱۳۲۸

فهرست مطالب

- ۱ - نطق قبل از دستور آقای عباسی
- ۲ - دنباله استیضاح آقای حائریزاده
- ۳ - ختم جلسه بعنوان تنفس

مجلس ساعت ده و نیم صبح بریاست آقای رضا حکمت بعنوان بعد از تنفس تشکیل گردید.

خودتان تریبون را ترک کرده اید و دیگر بیانی نداشتید.

**دکتر بقائی** - واگذار شد برای مجلس و نظر مجلس تعیین نشد.

**۱- نطق قبل از دستور آقای عباسی**

رئیس - آقای عباسی بفرمائید.

**عباسی** - بنده میخواستم روز یکشنبه ۲۹ اسفند که بر حسب معمول میبایست جلسه تشکیل شود مطالبی راجع باکراد که در رادیوها و روزنامه های بیگانگان انتشار میدهند بر عرض مجلس شورایی و ملت ایران برسانم متأسفانه جلسه روز یکشنبه تشکیل نشد و این مست بواسطه تعطیل ایام عید و انتخاب هیئت رئیسه فرصت نبود حال آنکه موفق باشم اجازه

رئیس - در جلسه پیش یکی دونفر از آقایان بعنوان قبل از دستور خواستند صحبت کنند (صحیح است) و با امروز موکول شد آقای عباسی راجع باوضاع کردستان میخواستند صحبت کنند (صحیح است) اجازه بنهید ایشان چند دقیقه صحبت کنند.

**عده از نمایندگان** - بفرمایند.

**دکتر بقائی** - اخطار نظامنامه ای دارم.

رئیس - در چه موردی؟

**دکتر بقائی** - در ماده مربوط با استیضاح چون نوشته شده استیضاح باید تمام شود و استیضاح بنده همانطور که گفتم دو سوم آن باقی مانده و حق صحبت را از بنده سلب کرده اند.

رئیس - آن جلسه من نبوده ام گفتند

این بقیه مذاکرات مشروح یکصد و پنجاه و هفتمین جلسه از پانزدهمین دوره قانونگذاری

اداره تنه نویسی و تحریر صورت مجلس



افتاده ماجراجویان را از بین ببرند و بوسیله بنده گذر سفر بود و افتخار همکاری بانبر را داشتن ارتباط دائمی داشتند و همیشه از رویه قاضی محمد اظهار تفر نمود و وفاداری خود را نسبت بشاهنشاه و میهن ابراز مینمودند (آفرین - احسن) و در اثر یاسی که قاضی محمد از عشایر پیدا نمود ناچار متوسل به بارزانی های فراری که از عراق بایران آمده بودند و پیشه وری هم یکدمه دو هزار نفری از فدائیان آذربایجان برای مرعوب نمودن عشایر و اشغال سفر با طرف بوکان فرستاد همینکه از طرف بزرگ ارتشاران فرمانده یعنی ذات اقدس بندگان اعلیحضرت همایونی امر بحرکت نیرو و تصرف مهاباد صادر شد قبل از حرکت نیرو تمام این دو هزار نفر فدائیان از طرف عشایر دهکری که عبارت است از علی یارها و ایلخانی زاده ها و عباسی ها و قهرمانها خلع سلاح و اسیر شدند و از فرماندهی لشکر تقاضا کردند که اجازه بدهد مهاباد رفته و قاضی محمد و همکاران او را از بین ببرند و عموم عشایر مهاباد از نیرو استقبال شایان نمودند و آمادگی خود را برای انجام اوامر مرجوعه اظهار داشتند حالا من تعجب میکنم رادیو سری که هر کسی میداند در کجا و چه محل صحبت مینماید روزنامه های منتسب بایشان چطور میتواند اظهار نمایند که اگر ادعا میخوانند از ایران جدا شده و استقلال می خواهند دیگر فکر نمیکند که دنیا میداند این سم پاشی ها در قلوب اکراد که پر از مهر شاه و میهن عزیز است تأثیری ندارد آقایان اگر کردها خیال آرزوی جدائی از ایران داشتند بهترین فرصت برایشان فراهم بود همان طور که عرض کردم قشون بیگانه ایران را اشغال و دست دولت را بسته بودند و هر گونه کمک و اسلحه با نهاداده میشد ولی هر چه کردند نتوانستند اکراد را برای اجرای نظر خودشان راضی نمایند و اکثر ایشان بر اثر فشار بیگانگان محل سکونت خود را ترک نموده و از تمام املاک و دارائی گذشتند و حاضر بخیان به میهن عزیز خود نشدند (آفرین - احسن) و تا آخرین لحظه با بیگانه پرستان مبارزه نمودند باید تمام ایران ندانند ملت کرد را برانی الاصل و هیچوقت حاضر نیست از ایران عزیز جدا شود ایرانی یعنی کردو کرد یعنی ایرانی و همانطور که همیشه برای حفظ استقلال کشور عزیز حاضر بوده اند باز برای اجرای اوامر شاهنشاه معظم و میهن عزیز آماده و در راه عظمت و استقلال ایران (صحیح است) و بقای سلطنت بندگان اعلیحضرت همایون شاهنشاهی که مظهر افتخارات و ملیت ما ایرانیان میباشد حاضریم خون ناقابل خود را در راه و شویوش ارتش دیرینه کاری نمایم (صحیح است) در خاتمه بنا بر وظیفه نمایندگی لازم میدانم که در پشت این تریبون کلیه اظهارات رادیوی بیگانه را راجع به کرد که انتشار میدهند از طرف کلیه اکراد و عشایر رسماً تکذیب نمایم ضمناً از فرصت استفاده نموده در پائین عرایض خود میخوانم چند کلمه نیز در اطراف فداکاریهای اوتش و غنما تیکه در معاصره سفر و بانو سردشت برای حفظ گروستان شد برض نمایندگان معترم برسانم ، آقایان موقیبه بفرمان بزرگ ارتشاران بندگان اعلیحضرت همایونی تیسار رزم آراء باأمورت کردستان اعزام شدند و بسفر آمدند یادگان سفر

و بانه و سردشت معاصره و در حدود ده دوازده هزار نفر از عمال قاضی محمد و بارزانی در اطراف این سه یادگان مجتمع و راه سفر و بانه و بانه بسر دشت قطع و مسدود نموده بودند و هر آن خطر از بین رفتن یادگانها میرفت در بسو ورود تیسار رزم آراء باقاضی محمد شروع بنذا کرده نموده کنیروی اطراف سفر و راه سفر و بانه و سردشت بر داشته و مانع عبور و مرور و فرستادن آذوقه برای یادگانها نشوند بعد از مذاکره زیاد این تقاضای تیسار به نتیجه نرسید ناچار دستور حکرت نیرو و کامیون خوار بار به بانه دادند و شخصاً فرماندهی را بعهده گرفته و جنگ شروع شد با اینکه بارزانیها استحکاماتی محکم را ساخته و مدتها بود در فرار و مواقع سخت جای گرفته بودند بعد از جنگ شدید بارزانیها را عقب زده و بعد از این ضربت سخت که باشرار وارد ساخته و نشان دادند قاضی محمد بزانوند آمده و شخصاً بقریه سرا سه فرسخی سفر آمد و تقاضای ملاقات با تیسار رزم آراء نمودند و در نتیجه ملاقات و ضرب شصت که دیده بودند حاضر شدند راه بانه و سردشت باز نموده و باز تیسار شخصاً با کامیونهای خوار بار به بانه حرکت و اگر این عملیات ایشان نبود سفر و بانه و سردشت از بین رفته و سندیج و کرمانشاه هم دست از رفته بود منظور از این بیانات بنده این است که ملت نجیب ایران مسبوق شود بکسی که این همه فداکاریها در راه عظمت کشور نموده و در اجرای امر و منووات بندگان اعلیحضرت از جان میگردد (صحیح است) و از روی اجرای غرض و نظر شخصی حمله میکنند و قضاوت این امر بملت ایران واگذار و برایش خود خاتمه بدهم (آفرین - احسن)

**رئیس** - آقای حاذقی هم دو کلمه صحبت دارند (نمایندگان - دستور، دستور) پس آقای حاذقی شما برای اول جلسه دیگر صحبت بفرمائید

**حاذقی** - عیب ندارد آقا.

**باتماقلیج** - بنده هم همین تقاضا را دارم جناب آقای رئیس .

**رضوی شیرازی** - آقای رئیس بنده پیشنهادی داده ام .

**رئیس** - وسط نطق ایشان نمیشود یا قبل از آن باید باشد یا بعد ، آقای حائری زاده بفرمائید

**۲ - دنباله استیضاح آقای حائری زاده حائری زاده** - یک بیاناتی جناب آقای وزیر جنگ و وزیر کشور در جلسات سابق فرمودند که من جواب فرمایشت آقایان را وعده داده ام که در آخر عرایض خود عرض کنه ولی دیشب جمعی از آقایان اعضای جامعه لیسانسب های دانشسرای عالی تشریف آورده بودند اینجا و یک شرحی بمجلس شورای ملی عرض کرده اند و تقاضا کرده بودند که برض مجلس شورای ملی برسانند قبل از شروع بمطلب میخوانم این شرح را قرائت کنم بعد وارد مطلب شوم .

رئیس جامعه لیسانسب های دانشسرای عالی راجع بجزایر وضعیت تشکیلات خودشان و فرمایشاتی که آقای دکتر اقبال فرموده اند یک شرحی بمجلس عرض کرده اند .

ساحت مقدس مجلس شورای ملی چون در جلسه یکشنبه ۲۸ مرداد ۲۸۱۲۴۴ آقای دکتر اقبال وزیر سابق فرهنگ و وزیر فعلی کشور ضمن

پاسخ باستیضاح جناب آقای دکتر بقائی نماینده شجاع کرمان درباره جامعه لیسانسب های دانشسرای عالی اظهاراتی نموده و نسبت های ناروایی بانجانب رئیس جامعه لیسانسب های دانشسرای عالی داده اند برای استحضار خاطر نمایندگان محترم برض شرح مختصر زیر مبادرت موزرد :

جامعه لیسانسب های دانشسرای عالی در شهریور ماه سال ۱۳۱۱ یعنی در آذرماهیکه آقای دکتر اقبال در مشهد مشغول طبابت بودند و هنوز پای ایشان بخانه رجال برجسته سیاست باز نشده و در سایه نزدیکی بیکی از آنها قدرتی برای خود تحصیل نکرده بودند بموجب اسانامه مدون خویش تشکیلات گردیده و پس از انتخاب هیئت مدیره خود شروع بکار نموده بنا بر این برخلاف اظهارات آقای دکتر اقبال جامعه لیسانسب های دانشسرای عالی جامعه ای نو بنیاد نیست و در زمانی بوجود آمده که (نه از تانک نشان بود و نه از تانک نشان) یعنی در موقع تاسیس آن نه حزب توده ای وجود داشت و نه آقای دکتر اقبال قدرت و سمتی داشتند که بتوانند ضمن مخالفت با حزب توده این جامعه بزرگ و فرهنگی را بعلت مقاومتی که با تصمیحات ناروای ایشان نموده است بجمعیت سیاسی مزبور منسوب دارند اعضای اینجامه از بسو تاسیس شامل بر جسته ترین خادمان فرهنگ بوده و لیسانسب ها و دکتراها اجازه نمیدهند که چند جوان جاه طلب افتخار هیئت مدیره جامعه ایشان را داشته باشند - هیئت مدیره این جامعه جاه طلب نیست و هیچک از اعضای این هیئت بر اثر مقام کنونی خویش بنصیبی نرسیده اند ولی حقیقت باید گفته شود که جاه طلبی فطری شخصی است که در ۴۰ سالگی بقول خودش ده بار برمسند وزارت نشسته است - هیئت مدیره این جامعه بر اثر خدمتگذاری در راه اصلاح فرهنگ مورد انتخاب اعضای محترم جامعه قرار گرفته و اینجانب نیز بر اثر حسن ظن همکاران فرهنگی عزیز خود از اسفند ماه سال ۱۳۲۵ افتخار عهده داری ریاست این جامعه منور الفکر را پیدا کرده ام و بدین شک نمایندگان محترم مدار شورای ملی استحضار دارند که در اسفند ۱۳۲۵ یعنی پس از ختم غائله آذربایجان که دیگر حزب توده قدرتی نداشت برخلاف آنچه که آقای دکتر اقبال مدعی هستند حزب توده نمیتوانست در جامعه لیسانسب ها نفوذ کرده در انتخاب این جاب یا سایر اعضای هیئت مدیره دخالتی داشته باشد .

آقای دکتر اقبال که خود را فرد فرهنگی و خادم ملک و ملت میدانند در محل مقدس که جز برستی نباید زبان گشود با کمال بی انصافی باین جانب تهمت زده و جامعه لیسانسب ها را آلت دست توده ایها خوانده اند و برای تأیید این بیان ناروا با اظهارات این جانب ضمن ملاقات ایشان پس از سقوط کابینه آقای هژیر استناد جسته اند .

**رئیس** - آقای حائری زاده خواندن مراسمه یکفر چه ربطی باستیضاح دارد ، خواندن این نامه اینجا مناسبی ندارد .

**حائری زاده** - مربوط باستیضاح بنده هم هست برای این که یکی از موضوعاتی که اینجا بحث شد این موضوع بوده است که وزارت فرهنگ یاوزارت کشور یک رفتارهای ناروایی در این مملکت کرده اند که من در اطراف آن باید بحث کنم ، این دلبلی است

برای اظهارات من که باید برض مجلس برسانم .

**رئیس** - مفادش را خودتان بگوئید نه اینکه نامه بخوانید .

**حائری زاده** - من اصراری ندارم که تا آخرش بخوانم این نامه است که آنها نوشته اند و دلیل اظهارات بنده و دکتر بقائی است این را تقدیم مقام ریاست میکنم که دستور بدهند بجزایر خود شریفی بفرستند یعنی این جامعه چندین جلسه در کابینه آقای هژیر بنده را دعوت کردند و بنده هم آنجا حاضر میشدم درست است که این تاریخچه و آن وضعیتش را من درست نمیدانم که از چه تاریخ تاسیس شده و اوضاعشان چیست ولی یک حرفهای حسابی داشتند که من یک قسمتهائی را میخوانم و سبب اصلش را فراموش کنم که وزارت فرهنگ در سرش زیاد نباشد ولی حرفهای حسابی آنها و کارهایی که جناب وزیر فرهنگ در آن موقع کرده قابل اصلاح نبود و من بامر حرم حاج مقبل السلطنه پدرشان هم همکاری کرده ام در دوره چهارم و میل داشتیم اصلاح بشود ولی وقتی من پشت این تریبون میآیم دوستی و رفاقت و همه اینها را فراموش میکنم برای این که من نماینده مردمی هستم که باید مطالب آنها را بگویم اگر برادر من هم باشد من نسبت باو هم هر چه بداند خواهم گفت از من گله نکنید عرض کنم موضوع استیضاح بنده رسید بقایب مختلفی که مردم راجع بقایب قانون اساسی دارند ، بعضی معتقدند که اصول اسلامی که در این مملکت مسلمان است آنطوریکه شاید باید در این قانون اساسی محترم شمرده نشده باید تکمیل شود یعنی آن قسمتهائی را که در قانون اساسی هست عمل بآن هم نشده دلیل آنهم اینست که چون نظارت علمای اعلام در قانونگذاری لازم و واجب بوده است در تدوین قانون اساسی نظر بر عایت این اصل بود که امثال مرحوم مشیرالذول و فوائین دادگستری را با مشورت مرحوم آقا سید حسن مدرس آن شهید سعید و مرحوم امام جمعه خوئی پدر الاظم وزیر مشاور فعلی و مرحوم آقا شیخ محمد حسین یزدی پدر کثرتی فعلی تهیه و تنظیم مینمود بعد از شهادت مرحوم مدرس مملکت ایران اسم آنیز خود را از خریطه ممالک اسلامی خارج ساخت یعنی کار را بجای رسانید که سید محترم و عالم جلیلی مثل آقای حاج سید ابوالقاسم کاشانی را با آن طرز تصحیح گرفتار و از مملکت و زاد و بوم خود اخراج کردند این عقیده یک جمعی است بعضی معتقدند دو قانون اساسی راجع بتشکیلات مملکتی و طرز مالیاتها و خیلی مسائل دیگر ممکن است تقاضی باشد و لازم است حد اقل معیشت و حد اکثر مالکیت معلوم باشد و قانون اساسی تکلیف عامه را معلوم کند تا این فاصله زیاد بین طبقات نباشد . ولی آیا چه مقامی صلاحیت دارد که در جرح و تمذیل قانون اساسی دخالت کند آیا با مشورت لندن قانون اساسی ایران باینه جرح و تمذیل شود ؟ مادر سؤال آنروز خود گفتیم و دولت هم تکذیب کرد . ولی اقدامات امروز دولت را که با هیچ قانون و اصولی منطبق نیست ، مشاهده میکنیم جناب آقای عدل خودشان در تنظیم قانون جزای عمومی شرکت داشته اند چند ماده از قانون مجازات را که از تصویب مجلس شورای ملی ایران گذشته و قانون رسمی مملکت ما است قرائت میکنم ،

ماده ۸۲ - هر یک از وزرا و اعضای پارلمان و صاحب منصبان و مأمورین دولتی که بر ضد حکومت

ملی قیام نماید یا حکم قیامرا بدهد محکوم باعدام است (صحیح است) .

ماده ۸۳ - هر یک از اشخاص مذکور در ماده قبل که برخلاف قانون آزادی شخصی افراد ملت را سلب کند ، یا افراد ملت را از حقوقی که قانون اساسی بآنها داده معروم نماید ، از شغل خود منفصل و از پنج تا ۱۰ سال از حقوق اجتماعی معروم خواهد شد .

ماده ۸۶ - هر گاه اقداماتی که بر ضد قانون اساسی است ، بر حسب امضای ساختگی وزیر یا مأمورین دولتی بعمل آمده باشد ، مرتکب و کسانی که عالم آنرا استعمال کرده باشند ، بجس با اعمال شاقه از ۵ الی ۱۰ سال محکوم خواهند شد (امیر تیمور - این ماده ۸۲ را دو باره بخوانید) این ماده ۸۲ و ۸۶ را که خواندم بعد روشن میشود ماده ۸۲ را دو باره میخوانم (مجدداً بشرح فوق قرائت گردید) این ماده ۸۶ هم تقریباً قیام بر علیه حکومت ملی را تفسیر میکند و توضیح میدهد آقایان نمایندگان این اعمال دولت و فرمان تجدید نظر در قانون اساسی آیا قیام برضد قانون اساسی و حکومت ملی نیست ؟ (معد علی سمودی - سخر آقا) هست تضاد و علمای حقوق باید تصدیق کنند این اصول حافظ استقلال و همه چیز ما است قانون اساسی سندی است که در نتیجه انقلاب از طرف ملت ایران برای تعیین حدود و حقوق مقام سلطنت و نمایندگان ملت و مأمورین دولت و سایر افراد مملکت تنظیم شده ، این قانون خون بهای جوانان صدر مشروطیت ایران است خون و کالی ملت و مجاهدین صدر مشروطیت ریشه این قانون اساسی را در مملکت ایران آبیاری کرده .

چند اصل از قانون اساسی را برای شما قرائت میکنم .

اصل بیست و دوم ، مواردی که قسمتی از عائدات یا دارائی دولت و مملکت منتقل یا فروخته میشود یا تغییر در حدود و ثبوت مملکت لزوم پیدا میکند بتصویب مجلس شورای ملی خواهد بود .

اصل بیست و سوم - بدون تصویب مجلس شورای ملی تشکیل کمیاتی و شرکتهائی عمومی ازهر قبیل و بهر عنوان از طرف دولت داده نخواهد شد « آقای ساعد . آقایان وزرا شما بچه حق کیانی بانک شاهی را بی اجازه مجلس شورای ملی اجازه نمیدهید که در مملکت مشغول بردن اموال عمومی باشند . »

اصل بیست و چهار . بستن عهدنامه ها و مقاوله نامه ها ، اعطای امتیازات ( انحصار ) تجارتنی صنعتی و فلاحتی و غیره اهم از اینکه طرف داخله باشد یا خارجه ، باید بتصویب مجلس شورای ملی برسد .

اصل بیست و پنجم - استعراض دولتی بهر عنوان که باشد ، خواه از داخله خواه از خارجه با اطلاع و تصویب مجلس شورای ملی خواهد شد .

اصل بیست و ششم - ساختن راههای آهن یا شوسه ، خواه بخرج دولت خواه بخرج شرکت و کیانی اهم از داخله و خارجه منوط بتصویب مجلس شورای ملی است . آقایان نمایندگان ، ماها صالح نیستیم بیل و هوس خود دست تعدی باین قانون دراز کنیم . اگر هم رضایتی از این قانون داریم و اصلاحاتی را واجب میدانیم باید اولاً از این مقام و

موقیبتی که طبق همین قانون با اعطای شده برکنار شده ، سپس اظهار عقیده برضد یا نفع این قانون بنمائیم . آقایان فراموش کرده اید ، که اعتبار نامه ارسنجانی باستدلال اینکه ، قبل از انتخاب از طرف ملت ایران شرح اعتراض آمیزی مربوط بقانون اساسی در روزنامه ایگه مشارالیه صاحب امتیازش بوده نوشته شده ، از مجلس رد شد . در صورتیکه تمام افراد ملت ایران حق آزادی نطق و قلم و عقیده را دارند . قانون اساسی ما همچنین اعلامیه حقوق بشر که در حکم قانون اساسی است این حق را تصریح کرده . آیا مضحک نیست در دنیا چنان نشان دهم که ملت ایران ، تمام افراد آن ۴۲ سال راحت در زیر سایه این قانون اساسی در منزل خود خوابیدند و دولتهای وقت ، اگر در سایه اجبار با خارجهها قرار دادهائی منقذ ساختند و یا وعده شرکتی بآنها دادند ، چون از تصویب مجلس ایران نگذشته بود ، کان لم یکن وملفی الاثر گردید ۴۲ سال این قانون اساسی حدود و ثبوت مملکت را ، استقلال و آزادی ملت ما را محافظه نموده ، یکدمه وحشت زده بیدار شدند و متوجه شدند که دواصل از این قانون اساسی مملکت را بخطر انداخته و حالها و بقالهای مملکت ، فریاد زدند ما مجلس سنا میخوانیم ! ما مجلس مؤسسان میخوانیم ! حتی کودکان چهار کلاس دبستان کنگاور بتلگرافخانه آمده تصحن اختیار کردند ، باید مجلس مؤسسان تشکیل شده و دو اصل قانون اساسی که مربوط باقتدارات سلطنتی است ، اصلاح شود کی گفتند ما مجلس مؤسسان میخوانیم ؟ وقتی که دولت اعلان آنرا داده بود و فرمان آن بامضای اعلیحضرت همایونی رسیده بود این اخبار را بنمدر دوسهها ندیده روزنامه نیم رسمی ما روزنامه اطلاعات همین وقایع و گزارشات را نوشته من هم از آنجا اقتباس کردم آقایان آیا ممکن است یک حکومتی سرخود را مثل کبک زیر برف کرده بگوئید دیبامارا نمی بیند و این بازی مضحک را ایجاد کند ، جناب آقای ساعد من این مطالب را از نظر انجام وظیفه میگویم ، برای اینکه دنیا بداند ما گرفتار چه بدختی و فشار و زحمت و سقه و تزویر هستیم یک عده چاپلوس و متلق اطراف سریر سلطنت را گرفته ب مقام سلطنت و ملت خیانت میکنند سابقاً گفتیم مجددمیگویم خوب بود جناب آقای ساعد شما که قدرت اداره کار را نداشتید ، از کار کنار کرده بودید و تنک و لمن ابندی را برای خود نگذاشته بودید . این موضوع تجدید نظر در قانون اساسی دودمه دیگر سابقه دارد یکدمه پس از فرار محمد علی میرزا ، و تصحن شاه در سفارت روس و فتح مجاهدین ، چهار اصل مربوط با انتخابات صنفی تغییر کرد . البته ملت حق دارد در قانون اساسی که دستور العملی است برای شاه و گدا در موقع انقلاب تغییراتی بدهد . دمه دوم چهار اصل مربوط بسلطنت قاجار بود که پس از ورود یک دسته قوای مسلح قزاق با حال طغیان بمرکز ، و شروع کودتا ، و تسلیم احمد شاه و شناختن آنها را بعنوان حکومت مجلس مؤسسانی تشکیل شد . ولی فاصله کودتا تا تشکیل مجلس مؤسسان نزدیک پنجسال بود که در این مدت در تمام مملکت یک کشککش و استلافاتی ایجاد شده بود . و بالتبینه چون شاه وقت که چهار اصل مربوط بمتافع او بود ، و ابداً ملت ایران



ذینفع و وزیر در تغییر خاندان سلطنت نبود، مجلس مؤسسان تشکیل شد. در آن مجلس مؤسسان کیسیونی ۱۸ نفری منتخب از شب برای تهیه دستور تشکیل شد که پنج نفر از اعضای آن کیسیون در مجلس با زدهم عضویت دارند. مرحوم تیمورتاش که عضو آن کیسیون بود مفتاح برای قانون اساسی گذاردن را پیشنهاد کرد. بنده در آن جلسه علناً مخالفت کردم سائر آقایان معنا بامن موافق بودند، در آن جلسه نتیجه حاصل نشد. بالاخره مطلب اطلاع شاه سابق رسید. شاه سابق مرد بسیار باهوشی بود، خیر و شر خودش را خوب تشخیص میداد. تصدیق کرد که نظر من موافق مصلحت است. بدیهی است اگر قانون اساسی ما مفتاحی داشت پس از وقایع شهریور ۲۰ آن چهار اصل مربوط به سلطنت راطوفان انقلاب با خود شاه سابق بجزیره مورس میبرد. و اثری از این دستگاه در این مملکت باقی نماند. من از نظر مصلحت مملکت مخالفت با مفتاح و در پیچه قانون اساسی کردم. شاه سابق فکر کرد که نظرم موافق مصلحت است. و نظر تیمورتاش که از خواص و مقربین درگاه او بود، چندان برای او مفید نیست. بلی شاه سابق نظرم را تأیید کرد. و تیمورتاش پیشنهاد خود را استرداد کرد. صورت مذاکرات آن کیسیون تهیه دستورالاعه در مجلس شورای ملی ایران حاضر است. آقایانی که لازم میدانند مراجعه کنند. گزارش کیسیون تقدیم مجلس مؤسسان شد مرحوم تیمورتاش پس از اطلاع از نظر شاه، ساکت شد ولی مرحوم یاسانی که از دوستان نزدیک مرحوم تیمورتاش بود آن پیشنهاد را در مجلس مؤسسان تجدید کرد. علاوه بر اینکه مورد قبول واقع نشد، خیلی اسباب حمله و تعرض از طرف سایر نمایندگان شد. آقایان قانون اساسی موجود ما با تمام تقاضای سندی است که ما توانستیم متکی باین سند قرارداد شرکت نفت آقای قوام السلطنه و دولت با عظمت روسیه را رد کنیم؛ این قانون سنگری است برای ملت ایران که قرارداد و توثق الدوله وانگلیس وارد کرد. آقایان این گوهر گرانبها را راضی نشوید که با خیالات بچگانه از نسلهای آتی ما بر بایند. بعقیده من این تجدید نظر بیشتر ضرر شخص اعلیحضرت همایونی است. اشخاص چایلو و مغرض هر چه میخواهند بگویند، من علاقه دارم این اعلیحضرت شاه باشد و تزلزل در مقام سلطنت حاصل نشود. واقعه شوم ۱۵ بهمن بعقیده من نتیجه گفتن «باید برض برسد» بوده و اشخاص مسئول برای رفع مسئولیت خود تمام حوادث را نفیاً و اثباتاً متکی بر ابراه و میل اعلیحضرت ساخته، در نتیجه این گفتار و اوضاع (این فکر شوم در مغز بکنگر گرسنه نا راضی تواید شده است) در صورتی که مسئول بدی و خوبی اوضاع مملکت مأمورین مسئول دولت میباشد. و مقام مقدس شاه را از مسئولیت است. باید شاه بر قلوب ملت ایران سلطنت کند. و نباید مأمورین مسئول و اطرافهای شاه برای رفع زحمت از خود تصمیم خود را فرغ اراده ملوکانه قراردادند و ملت ایران را از شاه بر نجانند.

آقایان از عملیات این چند روزه که آقایان دکتر بقائی و مکی مشروح صحبت کردند، من زیاد صحبت نمیکنم. برای مثال واقعه قتل قسطنطین را میگویم شخص مجنون شهادت تمام منسوبین و یادداشتها و

صل خودش مرتکب قتل فجعی شده، دستگاه حکومت نظامی با جمله برای ارباب عامه این مجنون را که مدعی خصوصی نداشت، بلکه اولیای دم تمام مدعی چون او بودند و راضی بقتل او نبودند، و در موقعی که مشارالیه را مصلوب ساختند، هنوز حق تجدید نظر و فرجام ابوابی بوده و اولیای دم در پای چوبه دار ضجه و ناله آنها بلند بوده، چنین شخصی را محکوم با اعدام میسازند و صبر نمیکنند تا موقع اجراء حکم برسد آیا این عمل با کدام قانون، با کدام اصل از اصول عدالت تطبیق میکند؟ اینست دستگاه حکومت نظامی ما که باید همه راحت بخوابند و دعا نیست، آقای دکتر بقائی راست میگوید، و استدلال او صحیح است که امنیت نیست، باید فکر دیگری برای مردم بدبخت ایران کرد، اشخاص بدبین عقیده دارند سیاست نفت جنوب ایران را بدبخت کرده، گرفتار حکومت زور و فشار ساخته بقول آقای مهندس رضوی باید دید گلوله بیکه بطرف شاه انداخته شد بوی نفت داشته یا نه؟ از نظر جزائی پس از وقوع جرم باید دید این جرم به نفع چه اشخاص و چه طبقه بوده؟ و برای تحقیق باید دنبال آن افراد طبقه رفت آقایان این واقعه ۱۵ بهمن اگر گلوله بحدف رسیده بود، دیگر موضوعی برای مذاکره نفت و احتیاج حق ملت ایران باقی بود؟ ما واقعه امتیاز نفت شمال و کشته شدن مأمور آمریکائی را فراموش نکرده ایم. کدر چهار راه آقا شیخ هادی بآن شکل فجیح کشته شد، حال که این گلوله بهدف نخورده موضوع بانک شاهی چه شد؟ نقشه هائیکه برای اجرای حکومت نظامی و تصفیه حساب با اشخاص ناطق و مؤثر مملکت مدتی بود طرح ریزی شده بود، بموقع اجرا گذارده شد، و امثال شیخ عباسعلی سیزواری که بالای منبر روزی گفته بود که ای هیأت حاکمه ما نمیگوئیم دوره دمکراسی است، بلکه مردم ایران تمام غلام و کنیز شما هستند، آیا این غلام کنیزها در این سرمای زمستان خوراک و لباس و مسکن لازم ندارند؟ شما که طیاره و اتومبیل برای فرار خود تهیه کرده اید، فکری برای این بدبخت مردم در موقع خطر آباناید کرد؟ در تحت شکنجه و عذاب قرار گرفت و مدتی در مجلس بسر برد آیا شیخیکه شغل او تأسیس کلاسهای دینی در شهرستانهاست و ابتدا وارد هیچ حزب و دسته و جمعیتی نیست و در سایه فعالیت او عده زیادی اشخاص بیسواد، خواندن و نوشتن را آموخته (دکتر بقائی جنایت است!) چه تصمیمی غیر از گفتن کلمه حق داشت که او را گرفته و حبس کردند؟ (دکتر بقائی جنایت کرده بود) در اطراف واقعه ۱۵ بهمن بیشتر صحبت کنیم ضرر ندارد.

در هیچ نقطه از دنیا نه در دنیای متمدن، نه در دنیای توحش و بربریت جائز نیست مجرمی را که اسلحه برای حمله در دست ندارد و تسلیم میشود قبل از تحقیقات او را مقتول سازند، در اینکه ضارب پس از شلیک و تمام شدن تشنگ اسلحه خود را یرتاب کرده و تسلیم بوده تردیدی نیست، در اینکه از طرف غیر نظامیها ضارب مورد حمله و تعرض واقع نشده است نیز تردیدی نیست. و در اینکه از طرف نظامیها بوسیله

گلوله و غیره ضارب مقتول شده است نیز، تردیدی نیست، آیا نظامی بدون دستور ما فوق حق دارد شلیک کند؟ آیا نظامیها در آنروز افسر مافوقی نداشته اند؟ این رویه ایکه آثار جرم عمداً محو شده یعنی فقط شخصی که ممکن بود بوسیله او کشف مطالب مهمی شود بر خلاف قانون و انسانیت با کمال وحشیگری و بیصبری او را مقتول ساخته اند، هر شخص بصیر و مطلع را این عمل بفکر تحقیق در اطراف دستگاه مصلح مملکت میاندازد، و ریشه فساد در اطرافهای شاه تفحص میکند. بیش از این در اطراف این موضوع فعلاً مذاکره را جائز نمیدانم، اگر در ایران محکمه صالحی برای رسیدگی باین امر تشکیل شد و دولت با تصمیم و عزم و اراده ثنی در روی کار بود، گفتنیها عرض میکنم، شخصی است معروف بین عرب و عجم مخصوصاً در عراق و ایران، محتاج بمرغی نیست، صاحب تالیفات عدیده، پیرمردی است اعمی فاضل، عالم، مطلع، حافظ کلام الله مجید، فقط یک عیب دارد که محافظه کار و چایلو نیست.

**نورالدین امامی** - برای جاسوسی بایران فرستادند

**نواب** - از این خائن دیگر چیزی نگویید بنده هم هر چه میدانم خواهم گفت خجالت بکش آقای حائری زاده بخدای لایزال تمام حرفها را خواهم گفت (زنک رئیس)

**رئیس** - ساکت باشید آقای نواب.

**نواب** - آخر تا کی ما باید مزخرفات را بشنوم بخدای لایزال آتشی درست کرده که خاموش شدن ندارد.

**رئیس** - ساکت باشید بگذارید صحبتشانرا بکنند، بفرمائید آقای حائری زاده.

**حائری زاده** - تمام شد فرمایشات آقایان ۲۷ سال پیش باید رخود که مرجع تقلید شیعیه بود و انگلیسها این فامیل را با خیلی از رجال بزرگ شیعیه تبعید بایران کردند تا جابل بیشتر در تبعید و در بصری بوده، اخیراً تبعید گاه این شخص محترم در بصری بوده اشخاصی که ناراضی از بودن این شخص در بصری بودند نظر باینکه این شخص

**نواب** - کارهای خودشانرا نمیبینند، خجالت نمیکشند، جناب عالی او را محترم میدانید (زنک رئیس).

**حائری زاده** - در چند سال قبل راجع باین مجسمه ها که مخالف اصول اسلامی و از آثار بت پرستی است صحبتها می کرده بود، موقع مسافرت اعلیحضرت همایونی، بنائین موقراً برای تقاضای تبعید این شخص محترم از بصری مناسب دیدند. اعلیحضرت همایونی ترتیب اثر باین تقاضای نامشروع نداده و دستوری ندادند. و غیر از آنهم از اعلیحضرت همایونی انتظاری نبوده و نیست. سپس چه کردند؟ شروع بدوسیله سازی شد. گزارشهای دروغ بمرکز داده شد. پس از تحقیق خلاف آن معلوم گردید. عاقبت بعنوان اینکه یک نفر زن زردشتی در منزل این پیرمرد اعمی اظهار علاقه بعالم اسلام کرده موقراً برای دوسیله سازی مناسب دیدند (ارباب گویو - اینطور نیست، اینها درست نیست) و برسم دوره بیست ساله دستگاه دولتی بکار افتاد. (دکتر اقبال - خلاف میفرمائید) اینجمله معترضه نیز گفته شود. در قانون اسلام ازدواج مسلم با غیر مسلم

منعی ندارد. و هیچ اشکالی نیست بیک زن زردشتی شوهر مسلمان داشته باشد. ولی برای اینکه بعدها اختلاف عقیده مذهبی منجر بتفریق نشود هر وقت بین مرد مسلمان و زن زردشتی مذاکره ازدواج شده شرط شده است که قبلاً اگر دیانت اسلام را قبول کرد ازدواج واقع خواهد شد. و سالی یکی دو واقعه ازدواج بین یک مسلمان مرد و یک جدید الاسلام زن زردشتی واقع میشود و معمول است در منزل یکی از حجج الاسلام اظهار اسلام میکنند. و چند روزی برای مصون بودن از تعرضات فامیلی و تعلیم احکام اسلامی میانند سپس از دواج کرده بخانه شوهر خود میروند (ارباب گویو - اینطور نیست) موضوع مسلمان شدن این زن زردشتی چیز تازه نبوده و در بصری نظائر زیاد همه ساله دارد. منتهی این موقع برای دوسیله سازی مناسب بوده و مأمورین دولت وارد منزل آقای خالصی زاده در بصری شده دختر جدید الاسلام را طرف تعرض و حمله قرار داده او را گرفته تسلیم زردشتی ها میسازند (ارباب گویو - اینها دروغ است) (دکتر اقبال - گزارش دادسرا برخلاف این است) و آقای خالصی زاده را گرفته میبرند توفیق میکنند و بر مرکز گزارش میدهند که فامیل زردشتی شکایت کرده اند و برای تحقیقات بنزل خالصی زاده رفتن خالصی زاده حمله کرد و روی سینه دادستان نشست و تصمیم داشت دادستان را خفه سازد. و یا های مشارالیه مجروح شد و بکمک رئیس ژاندارمری و شهر بانی آقای دادستان نجات یافت. (نواب - از آنشب که جناب عالی مأموریت داشتید و رفتید با او خلوت کردید بگوئید. نگذارید من چیزی بگویم) و خالصی زاده فعلاً توفیق است مقتضی است در بصری اعلان حکومت نظامی داده شود، و خالصی زاده نیز باصفهان یا تهران انتقال یابد. این بود عمل دوسیله سازی برای شخص محترمی مانند خالصی زاده. در صورتیکه پس از وقوع این واقعه، اهالی بصری مطلع شده. سه شبانه روز تعطیل عمومی کرده، بتلگرافخانه برای شکایت آمده و طرف تعرض مأمورین شهر بانی واقع شده اند. دو ورقه تلگراف که در تاریخ ۲ و چهارم اسفند ۱۳۲۷ رسیده تقدیم مقام نخست وزیری میشود تا متوجه شوند که کشتی سیاست ایران گاهی بطرف چه گاهی بطرف راست ملبه امواج است وقتی رفتار دولت با اشخاصی مانند آقایان کاشانی، خالصی زاده و امثال آنها که طرف توجه عامه میباشند، چنین باشد، امنیت در این مملکت هست؟ آیا اعلامیه حقوق بشر سلب حق از یک زن زردشتی کرده است که اظهار اسلام کند؟ (ارباب گویو - حقیقت غیر از این است) آیا مقتول است که دادستان با کمک رئیس ژاندارمری و شهر بانی وارد منزل یک شیخ پیر مرد اعمی بشوند و طرف تعرض واقع بشوند؟ این اعمال اگر دو سه سازی نیست، چیست؟ مأمورین ما بعد از واقعه کودتا گزارش خلاف واقع را مطابق میل مافوق خود عیب نمیدانند. بلکه باعث ترفیع درجه و مقام خود میدانند محتاج نیست من در این موضوع توضیحات بیشتری بدهم. بیانات کافی آقای دکتر بقائی مطلب را روشن ساخت. من در این موضوع بیشتر صحبتی نمیکنم. و نیگویم که قانون اساسی همچو حتی به دولتها ما نداده. نیگویم ایران مستقل و آزاد

سال پنجم شماره ۱۲۴۴

مذاکرات مجلس

صفحه ۴۲۸

است. و عضو سازمان ملل و بر خوردار از منشور ملل متفق میباشد. اگر یک دختر زردشتی با این جریان که در بصری بوده، در هندوستان بیست سال پیش که تحت قدرت انگلیس بود مسلمان شده بود، این رویه و رفتار ممکن بود بشود؟

جناب آقای ساعد من باشخص شما حرفی ندارم من باین مقام و صندلی که روی آن جلوس فرموده اید طرف بحث و مذاکره هستم. و این مطالب را برای اینکه نسلهای آتی بدانند که ما گرفتار چه اوضاع فلاکت باری بودیم، عرض میکنم.

ماده اول اعلامیه حقوق بشر که دولت ایران آنرا پذیرفته و متعهد باجرای و قبول آن هست قرائت میکنم.

ماده اول - تمام افراد بشر از لحاظ حیثیت، و حقوق آزاد و مساوی بدنیامی آیند، و از عقل و شعور و وجدان بهره مند بوده و باید با یک روح برادری و اخوت نسبت بیکدیگر رفتار کنند.

ماده دوم - هر کس میتواند بدون هیچ گونه تمایزی مخصوصاً از نظر نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، عقیده سیاسی یا هر عقیده دیگر ملی یا اجتماعی و همچنین از لحاظ ثروت، ولادت، و یا هر وضعیت دیگری از تمام حقوق و تمام آزادیهای که در این اعلامیه ذکر شده است استفاده کنند.

بعلاوه هیچگونه تمایزی از نظر وضع سیاسی و اداری و یا بین المللی یا سرزمین متبوع شخص، میان افراد موجود نیست، خواه آن سر زمین مستقل یا تحت قیمومیت یا غیر مستقل بوده و یا هر گونه تعدیداتی نسبت بجاکیت آنها وارد شده باشد.

اصل ۱۳ و ۱۴ متمم قانون اساسی را نیز قرائت میکنم:

اصل ۱۳: منزل و خانه هر کس در حفظ و امانست، در هیچ مسکنی فقراً نمیتوان داخل شد مگر بحکم و ترتیبی که قانون مقرر کرده.

اصل ۱۴: جناب آقای وزیر جنک توجه بفرمائید هیچ یک از ایرانیان را نمیتوان نفی بلد یا منع از اقامت معلی یا مجبور باقامت در محل دیگری نمود مگر در مواردی که قانون تصریح میکند.

جناب آقای ساعد من شما را شخص خوبی میدانم (صحیح است) ولی مرد توانا و قادر باصلاح اوضاع در این موقع دنیا و مطامع اشخاصیکه آرزوی بیست ساله قلدری را میکنند، نمیدانم (بنا تا قلیچ - آنهم هستند) فقط تقصیر شما بعقیده من اینست که شما قبول شغل و مقامی را نمودید که قادر به انجام وظیفه نیستید. (دهقان - چه اجباری دارید؟) وظیفه نمایندگان من است در این موقع مجبور براجع بیک موضوع جاتی صحبت کنم. اگر چه متصدیان امور امروزه با ضعیفی که دارند بعقیده من قادر به معالجه این درد شدید ملت ایران نیستند. کتابیست از شخصی تبیه ممالک اسکاندیناوی استاد دانشگاه اسلو آقای محمود - محمود ترجمه نموده اند مربوط به «جنک نفت». البته آقایان مطالعه فرموده اند و همچنین کتابیست که آقای همایونفر تألیف نموده و اطلاعات مفیدی باشخاصی که مراجعه مینمایند میدهد. من باید قبلاً از جناب آقای دکتر مصدق که در مجلس سابق یرده از روی کار نفت برداشتند و راجع بامتیاز داری و حقه بازبهای که بنام نسخ قرارداد

سی و دو سال بر مدت امتیاز من غیر حق افزودند و معاسباتی که ایشان حداقل خسارت ملت ایران را تشریح و توضیح فرمودند تشکر کنم. و همچنین از جناب آقای تقی زاده که در موقع تجدید مذاکرات وارد بوده و بیاناتی در مجلس فرمودند که آقایان همه شنیدند و یرده از روی این نحوه کلاه برداری سیاسی برداشتند تشکر میکنم. جناب آقای عباس اسکندری و مهندس رضوی که مطالبات زیادی در این موضوع داشته حاضر نیستند، این جانب با نداشتن اطلاعات عمیق مجبور مطالبی را برض برسانم متأسفتمی از کتاب جنک نفت از صفحه ۷۹ برای روشن شدن فکر آقایان قرائت میکنم.

«نظر باینکه نفوذ دولت (مقصود دولت انگلیس است) باید از حیث مالیه در کمیانی بر سایرین تفوق داشته باشد، اینست که از چهار میلیون سرمایه کمیانی دو میلیون و دویست هزار لیره را بموجب قرار داد معین، بین دولت و کمیانی، دولت میدهد. و همین تفوق مالی بدولت حق میدهد که هر تصمیمی که مخالف میل دولت باشد، آنرا رد کند. این قرارداد در سیزدهم ژوئیه ۱۹۱۳ بصوب پارلمان انگلیس رسید، و با کثرت ۲۵۴ در مقابل ۱۸ نفر مخالف از پارلمان گذشت و چند هفته بعد قرارداد بین وزارت بحریه انگلستان و کمیانی با مضاعف رسید، که بموجب آن، کمیانی فقط انگلیس و ایران بعهده گرفت مقدار معینی نفت و روغن برای مدت سی سال بحریه انگلیس تحویل دهد. و تا حال کسی از جزئیات این قرارداد اطلاعی ندارد. چونکه مواد و مندرجات آن تا امروز علنی نشده است. دولت ایران برای وصول عایدات خود از فلان سبزی فروش و رزاق و بقال ادارات عریض و طویلی دارد. ولی برای نظارت در امر نفت کاش هیچ مأمور نداشت و تصدیقی از محاسبات کمیانی، مأمورین ایران نمیکردند. من در ایام عیاد با دان رفتن خوشبختانه یاد بخانه مریض شدم و نتوانستم مؤسسات خودمان را که امروز انگلیسها اداره میکنند تماشا کنم. فقط در نزدیکی اقامتگاه من بیست و دولوله نفت و مواد مستخرجه از آن میگذاشتند، که وارد مغزها میشد. علاوه بر لوله هائی که برای بارگیری کشتیهای نفتی کدائماً در کنار ساحل مشغول تحویل گرفتن نفت بودند مشاهده کردم. این ماده که چرخ دنیای متمدن را میچرخاند و این روغن متعفن معدنی که محور جنک بیست ساله قلدری را میکنند، نمیدانم (بنا تا قلیچ - آنهم هستند) فقط تقصیر شما بعقیده من اینست که شما قبول شغل و مقامی را نمودید که قادر به انجام وظیفه نیستید. (دهقان - چه اجباری دارید؟) وظیفه نمایندگان من است در این موقع مجبور براجع بیک موضوع جاتی صحبت کنم. اگر چه متصدیان امور امروزه با ضعیفی که دارند بعقیده من قادر به معالجه این درد شدید ملت ایران نیستند. کتابیست از شخصی تبیه ممالک اسکاندیناوی استاد دانشگاه اسلو آقای محمود - محمود ترجمه نموده اند مربوط به «جنک نفت». البته آقایان مطالعه فرموده اند و همچنین کتابیست که آقای همایونفر تألیف نموده و اطلاعات مفیدی باشخاصی که مراجعه مینمایند میدهد. من باید قبلاً از جناب آقای دکتر مصدق که در مجلس سابق یرده از روی کار نفت برداشتند و راجع بامتیاز داری و حقه بازبهای که بنام نسخ قرارداد

سی و دو سال بر مدت امتیاز من غیر حق افزودند و معاسباتی که ایشان حداقل خسارت ملت ایران را تشریح و توضیح فرمودند تشکر کنم. و همچنین از جناب آقای تقی زاده که در موقع تجدید مذاکرات وارد بوده و بیاناتی در مجلس فرمودند که آقایان همه شنیدند و یرده از روی این نحوه کلاه برداری سیاسی برداشتند تشکر میکنم. جناب آقای عباس اسکندری و مهندس رضوی که مطالبات زیادی در این موضوع داشته حاضر نیستند، این جانب با نداشتن اطلاعات عمیق مجبور مطالبی را برض برسانم متأسفتمی از کتاب جنک نفت از صفحه ۷۹ برای روشن شدن فکر آقایان قرائت میکنم.

«نظر باینکه نفوذ دولت (مقصود دولت انگلیس است) باید از حیث مالیه در کمیانی بر سایرین تفوق داشته باشد، اینست که از چهار میلیون سرمایه کمیانی دو میلیون و دویست هزار لیره را بموجب قرار داد معین، بین دولت و کمیانی، دولت میدهد. و همین تفوق مالی بدولت حق میدهد که هر تصمیمی که مخالف میل دولت باشد، آنرا رد کند. این قرارداد در سیزدهم ژوئیه ۱۹۱۳ بصوب پارلمان انگلیس رسید، و با کثرت ۲۵۴ در مقابل ۱۸ نفر مخالف از پارلمان گذشت و چند هفته بعد قرارداد بین وزارت بحریه انگلستان و کمیانی با مضاعف رسید، که بموجب آن، کمیانی فقط انگلیس و ایران بعهده گرفت مقدار معینی نفت و روغن برای مدت سی سال بحریه انگلیس تحویل دهد. و تا حال کسی از جزئیات این قرارداد اطلاعی ندارد. چونکه مواد و مندرجات آن تا امروز علنی نشده است. دولت ایران برای وصول عایدات خود از فلان سبزی فروش و رزاق و بقال ادارات عریض و طویلی دارد. ولی برای نظارت در امر نفت کاش هیچ مأمور نداشت و تصدیقی از محاسبات کمیانی، مأمورین ایران نمیکردند. من در ایام عیاد با دان رفتن خوشبختانه یاد بخانه مریض شدم و نتوانستم مؤسسات خودمان را که امروز انگلیسها اداره میکنند تماشا کنم. فقط در نزدیکی اقامتگاه من بیست و دولوله نفت و مواد مستخرجه از آن میگذاشتند، که وارد مغزها میشد. علاوه بر لوله هائی که برای بارگیری کشتیهای نفتی کدائماً در کنار ساحل مشغول تحویل گرفتن نفت بودند مشاهده کردم. این ماده که چرخ دنیای متمدن را میچرخاند و این روغن متعفن معدنی که محور جنک بیست ساله قلدری را میکنند، نمیدانم (بنا تا قلیچ - آنهم هستند) فقط تقصیر شما بعقیده من اینست که شما قبول شغل و مقامی را نمودید که قادر به انجام وظیفه نیستید. (دهقان - چه اجباری دارید؟) وظیفه نمایندگان من است در این موقع مجبور براجع بیک موضوع جاتی صحبت کنم. اگر چه متصدیان امور امروزه با ضعیفی که دارند بعقیده من قادر به معالجه این درد شدید ملت ایران نیستند. کتابیست از شخصی تبیه ممالک اسکاندیناوی استاد دانشگاه اسلو آقای محمود - محمود ترجمه نموده اند مربوط به «جنک نفت». البته آقایان مطالعه فرموده اند و همچنین کتابیست که آقای همایونفر تألیف نموده و اطلاعات مفیدی باشخاصی که مراجعه مینمایند میدهد. من باید قبلاً از جناب آقای دکتر مصدق که در مجلس سابق یرده از روی کار نفت برداشتند و راجع بامتیاز داری و حقه بازبهای که بنام نسخ قرارداد



وقت خانه دهد، نتیجه مستقیم همین مبارزه دولتی انگلیس و امریکامیباشد و در این هیچ تردید نیست که مغارج تبه این انقلاب از طرف کمیانهای نفت امریکا داده شده بود. از طرف دیگر امریکاییها مدعی هستند که قتل رئیس جمهوری بعدی مکزیک پس از آنکه دوسال ریاست جمهور آن مملکت را دارا بود و در شورش ۱۹۱۲ بقتل رسید، فقط در نتیجه دسائس انگلیسها بود. و در باب جانشین آن رئیس جمهور مقتول امریکاییها اظهار میدارند که این شخص کاملاً در تحت تعلیمات کمیانهای نفت انگلیس بوده و تمام آن عده مسلح اراذل و اوباشی که در تحت فرمان مشارالیه بودند، مقرری آنها هم از طرف کمیانهای نفت انگلیس و دوج پرداخت میشد.

ما راه دور بمکزیک نمیرویم کشته شدن مأمور امریکائی در چهارراه آقا شیخ هادی و کوتاه کردن دست احمد شاه از سلطنت ایران و وقایعی که امروز گرفتار آن هستیم از مجلس مؤسسان وغیره بقیه من تمام آورده باین روغن متعفن نفت ایرانست. اگر دولت عاقل ورشیدی ایران داشته باشد، در این موقع دنیا، میتواند حداکثر استفاده را از منابع نفتی خود کرده و مبارزات سیاسی را خاتمه دهد. (نورالدین امامی - انشاء الله خواهیم داد) ملت ایران میل ندارد منابع تحت الارضی خود را احتکار کرده ملل دنیا را محتاج بگذارند. اما برای اینکه تمام نفت ایران از شمال و جنوب و شرق و غرب و مرکز استخراج شود، حاضریم، ولی امتیاز ملفی شده داری را که مایه بدبختی این ملت و بیچارگی رجال این مملکت شده و میشود، باید با کمال رشادت ملفی - الاتر بدانیم و مثل قرارداد شرکت آقای قوام السلطنه و روسها کان لم یکن فرض کنیم. و در مقابل باب استخراج و بهره برداری از منابع تحت الارضی ایران را بروی تمام ملل روی زمین که محتاج باین ماده حیاتی هستند، آزاد بگذاریم و قانونی برای استخراج نفت از مجلس ایران بگذارند. اگر روسها برای شرکت با ایران حاضر شدند که صدی چهل و نه از منافع سهم خاک ایران را بملت ایران بدهند و ما قبول نکردیم، ولی باید دولت ایران امروزه قانونی بگذارند که سهم نفت ایران صدی چهل و نه باشد و یا بیشتر، و یک شرکت بین المللی برای استخراج تمام منابع ثروت تحت الارضی ایران تشکیل شده و هیچ ملتی را بر ملت دیگر رجحان ندهد. برای اینکه گرفتار سیاست نفت نباشیم فقط استفاده اقتصادی نموده باشیم، برای ملل مجاور بیش از یک عشر از سهم شرکت را اجازه ندهیم که همسایه های ما بیشتر خریداری نمایند. ما با هیچ ملتی دشمنی نداریم و حاضر برای ملعی و آلت هیچ ملتی در روی زمین نیستیم. ما ملتی طرفدار صلح و عدالت هستیم و مصلحت ما نیست وارد کشمکشهای سیاسی ممالک روی زمین بشویم و باید سعی کنیم که کلمه امتیاز در قاموس ایران نباشد و انحصار و امتیاز برای یک ملت و دسته و شرکتی قائل نشویم. من در این مسافرت خوزستان و دیدن اوضاع آبادان بقدری متأثر شدم که برای آقایان نمیتوانم وصف کنم آقایان اگر نفت مارا مفت انگلیسها برده بودند و مثل رودخانه کارون بدریا ریخته بود و امتیاز نداشتند ملت ایران بیشتر منتفع شده بود من بچشم خود دیدم تمام حوائج کمپانی با اینکه در ایران فراهم کردن آن مشکل نیست از خارج ایران وارد میشود پسون

حقوق گمرکی حتی آجر و سنگ و شن و سیمان. این دشت خوزستان که در دوره بر بریت و قرون قدیمه آباد بوده دهات و مزارعی داشته شوش و اطراف قبر دانیال نبی زبان گویاست برای آبادی و تمدن آنقصر امروز یک بیابان وحشتناکی است کی مانع آبادی است در صورت این تشکیلات ما و این مقررات ما و این مأمورین مغرض و بی اطلاع ما در معنی کی مانع است؟ بقیه من مرض نفت مانع آبادی است. در ایران لازم است دولت با تصمیم و عزم و اراده ثنی با نقشه و مطالعه کافی این امتیاز کان لم یکن را تحت نظر گرفته بحسابه کمپانی که بقیه من غیر از دولت انگلیس کمپانی وجود خارجی ندارد زیرا که اکثریت سهام را دولت انگلستان دارد رسیدگی کرده صرف نظر از منافع غیر مستقیم که نفت ایران فاتح جنگ بود چه در جنگ سابق چه در جنگ اخیر فقط منافع اقتصادی کمپانی را باید در نظر گرفت تا معلوم شود با چه سرمایه قلیل چه منافع کثیر از این مملکت فقیر برده اند و یک شرکت بین المللی برای استخراج نفت کلبه ایران تاسیس شود و این دولت مقتدر در شکم دولت ضعیف ایران منجل گردد من تصور نمیکنم دولت کارگرفعلی انگلستان وقتی اطمینان حاصل کند که سوخت بحریه و سایر حوائج آنها بهمین ترتیب که امروزه کمپانی نفت جنوب از ذخائر ملی ایران تأمین میکند پس از تاسیس شرکت بین المللی نیز تأمین خواهد شد، مخالف با آزادی و استقلال ملت ایران باشد ما با روسها دشمنی نداریم ولی حاضر نیستیم یک منطقه نفتی تحت اختیار آنها بگذاریم زیرا که در شرکت شلات امتحان کردیم. شرکت ضعیف و قوی بدبختی است همیشه بضرر ضعیف تمام میشود ولی در شرکت بین المللی ملت ایران حاضر است که یک عشر از سهام کل نفت ایران را دولت دوست همجوار ما مالک باشد

در اطراف نفت هر چه صحبت شود کم است ازیرا که منافع و مضار اقتصادی و سیاسی نفت هزار است و سایر منافع و سیاست ایران یک و اگر موضوع سیاست و بهره برداری نفت حل بشود، تمام دردهای بیدر مان این مملکت علاج شده فقر و بد بختی و ظلم و غارتگری پایان خواهد یافت. در موقعبکه شخص محترمی با آن سوابق خدمتگذاری در راه آزادی و فداکاریهای صدر مشروطیت در عرضه شطرنج فقط، موقع لغو امتیاز داری خود و شاه را مات معرفی کند، از جناب آقای ساعد و آقای گلشائیان من چه انتظاری دارم. لازم است دولت صالح قوی الاراده می در ایران باشد تا وارد مذاکره و معالجه این درد های بیدرمان بشویم و وجود دولت صالح قوی الاراده فرغ بودن مجلس ملی که و کلاهی قوی الاراده می در آن مجلس اکثریت داشته باشند، میباشد. و با این نحوه انتخابات که در همین چندروز با حضور مجلس شورای ملی برای مجلس مؤسسان دروغی شده است، تکلیف آتیه ایران معلوم است و این درد ها را تصمیم اعلیحضرت همایونی برای چنین انتخاباتی به تشکیل مجلس سنا از چنین رجالی که منظور نظر هستند، دوا نخواهد کرد. بلکه مقتضی است در اطراف انتخابات بیشتر بحث شود و راه حلی که نمایندگان، حقیقه نماینده ملت نه وارد لیست دولت باشد، انتخاب شود. به تجربه ثابت شده است.

که افراد وقتی دائره عمل و محیط فکرشان کوچک باشد، بیشتر توجه بمضار و منافع خود خواهند داشت و یک ملت بیسواد در یک مملکتی که وسیله ارتباط خیلی کم و دستهای مغرب خیلی قویست، این نحوه انتخابی را که ما چند سال است اختیار کرده و به امتحان و عمل بدنیامدلل داشتیم که این نمایندگان نماینده حقیقی ملت نیستند، بلکه نماینده قدرت ها و منافع اشخاصند، و هر وقت قانون یا موضوعی بحقوق فرد و شخصی که موکل آنهاست لطمه وارد آورد، مجلس کربلا خواهد شد، و باید این سیستم انتخابات که بفتح ایران نیست تغییر کند در قانون اساسی ما، حقوق ایالات و ولایات محترم شمرده شده است.

اصل نودم، نود و یکم، نود و دوم، نود و سوم تصریح دارد که انجمنهای ایالتی و ولایتی اختیار نظارت تامه در اصلاحات راجعه بمنافع عامه دارند، و صورت خرج و دخل ایالت و ولایت از هر قبیل بنسبت انجمن های ایالتی و ولایتی طبع و نشر میشود آقایان این مرکزیتی که عملاً قائل شده ایم تمام ایالات و ولایات را مستعمره ساکنین تهران قرار داده ایم، برخلاف قانون اساسی است. بلی انتخابات در ایران مخفی است و رای باید مخفی باشد، اما برای کی برای رای دهنده، در تهران ما میدانستیم، و کلاهی مؤسسان در یزد و کاشان و بهبهان و گلبانگان چ اشخاصند. ولی خود اهالی ولایات گول این کلمه دروغ آزادی انتخابات را خورده و رای بر خود آنها مخفی بود، اگر چه راه دوری نمیرویم. کم کم مخفی بودن رای بدرجه می رسیده که نمایندگان مجلس شورای ملی در آرائی که میدهند، بر خود آنها مخفی است که بچه رای میدهند، فقط بعضی از اعضاء دولت و بعضی از اعضاء کارگردان داخلی مجلس در مواقع بحرانی مجلس راملعه قرارداد و قوانینی که روح مجلس از آن بیزار است در لابلای تبصره و نمره های گزارش از تصویب مجلس میگذرانند. اینست حکومت ملی، اینست معنی نظارت مجلس شورای ملی در داخل و خارج مملکت.

**کشاورز صدر** - آقا مصوبات مجلس را دیگر قرائت نفرمائید.

**رئیس** - آقای حائریزاده این راجع بقانونی است که مجلس رای داده دیگر اعتراضی برای مجلس که نمیشود کرد مربوط باستیضاح نیست.

**حائری زاده** - من باید ادله خودم را عرض کنم بیانات خودم را توضیح بدهم.

**دهقان** - شما خودتان یکی از کارگردانان انتخابات مجلس یازدهم بودید، اینها را میگوئید نجات هم نمیکشید.

**رئیس** - در موضوع استیضاح خودتان صحبت نفرمائید **حائریزاده** - برای روشن شدن اینکه کار های این مملکت بیه مطالعه انجام میشود عرض میکنم **بعضی از نمایندگان** - اکثریت نیست.

**دکتر بقائی** - آقایان خسته شده اند.

**تعمیل جلسه بعنوان تنفس**  
**رئیس** - آقایان فعلاً تنفس میدهم جلسه پنج شنبه ساعت هشت و نیم - اول یک جلسه خصوصی داریم بنده یک مطالبی دارم که باید آنجا با اطلاع آقایان برسانم. (ده دقیقه بعد از ظهر جلسه بعنوان تنفس ختم گردید.)

**رضاحکت** - رئیس مجلس شورای ملی -